

◆ انقلاب اسلامی و امیدواری به احیای طب سنتی اما...

بدین صورت با ممنوعیت فعالیت حکمای طب سنتی شاهد فراموشی این طب در جامعه شدیم و فعالیت حکما صرفاً زیرزمینی و پنهانی شد. با ظهور انقلاب اسلامی، امیدها برای احیای طب سنتی افزایش یافت اما اوایل چنان که باید در احیای این طب از سوی مسئولین تلاشی صورت نگرفت.

◆ علت‌های عدم احیا؛ از بی‌اطلاعی پزشکان مدرن تا ساختار درمان محور

همزمان با قدرتمند شدن و توسعه اختیارات وزارت بهداشت، با ترویج طب سنتی مخالفت شد چرا که مسئولین این نهاد همگی پزشک بوده و در نظام طب نوین رشد پیدا کرده بودند و عمدتاً اطلاعی از طب سنتی نداشتند. از سوی دیگر ساختار فعلی وزارت بهداشت و ماهیت طب نوین به مریض شدن مردم بیشتر علاقه دارد تا سلامتی آن‌ها. چرا که بقای این سیستم بر ارائه خدمات درمانی است و این مستلزم بیماری آن‌هاست نه سلامتی مردم. در صورتی که رسالت اصلی طب سنتی حفظ الصحة و پیشگیری از بیماری‌هاست.

◆ تأسیس دانشگاه طب سنتی و تعیین صلاحیت خبرگان در دولت نهم و

دهم

با این حال از حدود ۱۰ الی ۱۵ سال قبل تلاش‌هایی جهت احیای دوباره این علم در کشور آغاز شد. این تلاش‌ها که در ابتدا با سرکوب مواجه شد در ادامه با استقبال نسبی دولت قبل مواجه و دستوراتی در جهت نیل به این مهم ابلاغ شد. مصوبه تأسیس دانشگاه طب سنتی و رده‌بندی و تعیین صلاحیت خبرگان بدون مدرک طب سنتی از مصادیق آن است.

بر اساس این مصوبه، خبرگان بدون مدرک دانشگاهی می‌توانستند با نام‌نویسی در دانشگاه طب سنتی درجه و صلاحیت علمی خود را بسنجند و اگر به آموزش بیش‌تری نیاز داشتند به سهولت آن را ببینند. در نهایت با توجه به مهارت افراد به چند گروه شامل؛ خبرگان طب مکمل، خبرگان طب سنتی، حکیم، حکیم‌یار، خیبر، حکیم‌یار، طبیب‌یار، دارویار، خیبر، دارویار طبیعی، دارویار صناعی، عطار، خیبر و عشاب تقسیم می‌شوند که توضیح وظایف و معلومات آن‌ها در چهار چوب این نوشته نمی‌گنجد.

◆ لغو مصوبات در دولت یازدهم

اما در این میان با تغییر دولت و روی کار آمدن وزیر بهداشت فعلی هر دوی این مصوبات لغو شد. در این حال با ابلاغ سیاست‌های کلی سلامت توسط مقام معظم رهبری و توجه ویژه ایشان به احیای طب سنتی، مسئولین مجبور به حفظ ساختار دانشکده‌های طب سنتی شدند اما مصوبه مربوط به خبرگان بدون مدرک طب سنتی را لغو کردند.

همچنین بر اساس ابلاغیه اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور به دستگاه‌های اجرایی، مصوبه دولت نهم برای تأسیس دانشگاه طب سنتی ایرانی - اسلامی در کشور لغو شد.

این محدودیت‌ها در مهد طب سنتی در حالی است که فعالیت طبای این طب در خارج از مرزها به شدت مورد استقبال دول و مردم این کشور قرار گرفته است و خبرگان این حوزه بدون هیچ محدودیتی مشغول به فعالیت و آموزش این طب در کشورهای اروپایی می‌باشند. با اعمال سیاست‌های وزارت بهداشت انحرافی در طب سنتی به وجود آمده که شامل موارد زیر است:

◆ شیوه نامناسب تربیت پزشک طب سنتی

با توجه به گستردگی علم طب سنتی و ارتباط ذاتی آن با علوم همچون نجوم و فقه و اخلاق طبیعتاً زمان زیادی نیاز است تا یک طبیب کامل و حاذق پرورش یابد. این در حالی است که در دانشکده‌های طب سنتی ظرف ۴ سال از یک پزشک عمومی، یک پزشک متخصص طب سنتی تحویل می‌دهند. در ضمن برای ورود به این راه هم صرفاً باید پزشک بود و غیرپزشک حق تحصیل قانونی در طب سنتی را ندارد.

◆ درآمد محوری جای زیرمیزی

محصل این نظام تربیتی پزشکان متخصصی هستند که به اسم طب سنتی در نقاط شهر به تأسیس مطب همت می‌گمارند و ویزیت‌ها و پول‌های کلانی از مردم اخذ می‌کنند، در ست مثل هم کیشان زیرمیزی بگیرشان در طب نوین، در صورتی که در طب اصیل سنتی عنصر اخلاق یکی از ویژگی‌های ممتاز طبیب بوده و جناب جرجانی خود استاد اخلاق بوده است. در کتاب خلاصه الحکمه عقیلی خراسانی ۱۰ علم مقدمه ورود به طب سنتی دانسته که اخلاق جزء اولین علوم است. همچنین نحوه فعالیت حکمای طب سنتی به گونه‌ای بوده است که مریض را ویزیت کرده، دارو را به وی می‌دهند و به او می‌گویند اگر خوب شدی این قدر پول بیاور.

◆ سردرگمی مردم و بی‌انگیزگی حکمای طب سنتی

این وضع در ادامه موجب سردرگمی مردم، ناامیدی از طب سنتی و عزلت حکما و کسانی می‌شود که سال‌ها عمر خود را در این حوزه صرف کرده‌اند و اکنون به جرم این که پزشک نیستند حق هیچ فعالیتی را ندارند و حتی در صورت اعتراض یا پیگیری امر دچار مسائل حقوقی می‌شوند و همان مجوزهای نیم‌بندشان هم لغو می‌شود.

◆ تفکیک طب سنتی از ساختار آموزشی و خدماتی پزشکی نوین

در مورد مزایای طب سنتی سخن بسیار گفته شده است اما در مورد مسائل مربوط به کاربردی شدن آن در زندگی مردم اقدامات مناسبی صورت نگرفته است. ادغام طب سنتی در سیستم پزشکی نوین که در وزارت بهداشت وجود دارد نه تنها مشکلی را حل نکرده بلکه روزبه‌روز از اعتبار این طب کاسته و زمینه ورود افراد سودجو به این حرفه مقدس را فراهم کرده است به گونه‌ای که ارزان بودن این طب که ویژگی ذاتی آن است در بوتۀ فراموشی سپرده شده و مردم مجبورند برای یک ویزیت طب سنتی مبالغ کلانی را پرداخت کنند. با توجه به این که نمی‌توان طب سنتی را ذیل طب نوین تعریف کرد، پیشنهاد می‌شود مرکز مستقل با مدیریت و هیئت امنایی خبرگان طب سنتی تأسیس شده تا ضمن ساماندهی به فعالان طب سنتی به جهت آموزشی و خدماتی، شرايطی را فراهم کنند که افراد غیرپزشک هم بتوانند در این زمینه تحصیل بپردازند. نظارت بر این مرکز نیز بر عهده متولی نظام سلامت و همان وزارت بهداشت است. با این تفاوت که در این مدل وزارت بهداشت صرفاً نظارت می‌کند و کار طب سنتی به خبرگان این حوزه سپرده شده است. در پایان لازم به ذکر است که طبیب خادم طبیعت در جهت حفظ سلامتی مردم است و این تعریف با سیستم در مان محور طب نوین و نظام سلامت فعلی همخوانی ندارد. پررنگ تر شدن نقش حوزه‌های علمیه که خاستگاه تاریخی و اصلی این مکتب طبّی است، شاید بتواند به پرورش و کاربردی شدن آن در زندگی مردم کمک کند.

نقد

چراغ معاونت طب سنتی خاموش شد!

حریرچی سخنگوی وزارت بهداشت در فرودین ماه ۹۵ اعلام کرد که معاونت طب سنتی به دفتر طب سنتی تنزل پیدا کرده است، طبق استدلال مسئولین وزارت بهداشت براساس قانون خدمات کشوری، هیچ وزارتخانه‌ای مجاز نیست که معاونتی را به ساختارش بیفزاید و وزارتخانه‌ها برای تشکیل معاونت جدید تنها می‌توانند عناوین معاونت‌ها را تغییر دهند. ظاهر امصالج ایجاب می‌کرده که معاون اجتماعی در وزارت بهداشت ایجاد شود و به همین دلیل وزیر بهداشت معاونت طب سنتی را به معاونت اجتماعی تبدیل کرد بر این اساس از این‌پس دفتر طب سنتی تحت عنوان اراده کل زیر نظر شخص وزیر به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

